



دکتر نعمت احمدی

یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدرک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد، به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.»

اعمال این ماده در حوزه‌ی اختیارات دادستان است و از جرائمی است که برابر ماده‌ی ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی جزء وظایف و تکالیف مدعی‌العموم است که طرح دعوی بنماید. نمی‌خواهم از منظر حقوقی به مصاحبه‌ی سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب که اعلام کرده است از ۲۲ شهریورماه ۱۳۸۷ که آقای کردان علیه نماینده‌ی دانشگاه آکسفورد طرح دعوی نموده و شعبه‌ی دوم بازپرسی کارکنان دولت مشغول رسیدگی به این شکایت هست، نیز بپردازم. توقعم آن نیست که دادستان تهران مانند موارد بسیاری معمولی که می‌شود اغماض کرد و وارد نشد، وارد می‌شوند، چرا در این مورد ورود پیدا نکرده است؟

به هر حال هم نگارنده که تا زمانی که محمدرضا رحیمی معاون حقوقی و پارلمانی ریاست‌جمهوری که آن زمان هنوز دارای مدرک دکترای نبودند یا حداقل از تیتراژ دکترای استفاده نمی‌کردند، با جناب کردان در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه آزاد واحد مرکز همکار بودیم و هم جامعه‌ی حقوقی می‌داند که در شرایط پیش آمده، باید نماینده‌ی احتمالی دانشگاه آکسفورد محاکمه شود یا دارنده و استفاده‌کننده از مدرک دکترای؟

۲-۲- ریاست‌جمهوری

دومین نهاد، ریاست‌جمهوری است که باید پاسخ افکار عمومی را بدهد. هرچند کسی از کردان نخواست که در شرح گذشته‌ی خود زمان معرفی به مجلس لیست مدارک تحصیلی خود از لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترای را ارائه دهد و این مدارک یا به گفته‌ی رییس‌جمهور - کاغذپاره‌ها - هم دلیل رای نمایندگان به وزیر کشور نشد.

اما نکته‌ی ظریفی در این قضیه است که شاخص‌ترین وزیر کابینه در سال پایانی که منتهی به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری می‌شود حداقل به مجلس - دروغ - گفته است و تا همین اواخر بر دروغ خود پافشاری داشت، اگر به دیالوگ بین روح‌الله حسینیان و علی کردان توجه شود، آن‌چه که امروز

شده استعلام‌های مختلفی صورت می‌گیرد و آن‌گونه که آقای رییس مجلس می‌گویند حداقل نسبت به افراد عادی اصل بر اعتماد نیست.

۲-۱- مقامات مسئول رسیدگی

اگر کسی از این مدارک قلبی که به گفته‌ی رییس مجلس تعداد آن‌ها زیاد است به‌نوعی استفاده کرد، باید دید از منظر حقوقی چه اتفاقی می‌افتد؟ مثلاً در مورد مدرک آقای کردان، چند مجموعه یا نهاد بر آنان وظایفی بار می‌شود که در موارد مشابه که رییس مجلس ظاهراً به لحاظ اشرافی که بر مواردی از این دست دارند و تعداد این نوع مدارک را زیاد می‌دانند، باید وارد عمل شوند.

۲-۱-۱- دادستان

نخست، دادستان عمومی و انقلاب تهران که مکلف است برابر ماده‌ی ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد:

«هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌ی تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن، آن را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت، به حبس از یک‌سال تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که مرتکب یکی از کارکنان وزارت‌خانه‌ها یا سازمان‌ها و موسسات وابسته به دولت یا شهرداری یا نهادهای انقلابی باشد

۱- درآمد

موضوع مدرک - علی کردان - حداقل از نظر افکار عمومی روشن شد. کردان وظیفه‌ی خود را انجام داد، او سرانجام به جعلی بودن مدرک خود معترف شد و با طرح دعوی علیه به‌ظاهر «نماینده‌ی دانشگاه آکسفورد» موضوع جعلی بودن مدرک خود را قانوناً هم به مراجع قضایی اعلام کرد. بعد از این حرکت، می‌ماند وظایف دیگران.

رییس مجلس در سفر خود به شیراز در جلسه‌ی که با حضور دانشجویان برگزار شد، به نکاتی اشاره کردند که باید با تکیه بر جایگاه قانونی رییس مجلس به آن پرداخته شود. او می‌گوید: «... از این مدارک قلبی زیاد است...» لذا باید دید این مدارک قلبی که رییس مجلس هم اعتراف می‌کند به واقع زیاد می‌باشند، آیا مرجعی وجود ندارد که به اصلی بودن یا جعلی بودن این مدارک قبل از استفاده صاحب آن در دوائر دولتی نظارت داشته باشد؟ مثلاً رییس مجلس می‌گوید: «... اگر کسی استاندار شد و گفت من دکترای دارم به او اعتماد کنید و او نباید خلاف بگوید. موضوع این بود که کسی از مساله‌ی مدرک کردان خبر نداشت. ما که مدرک نمی‌بینیم، اصل بر اعتماد است...»

با وصف بالا قبول نیست که در موقع استخدام و حضور در پست‌های مهم به گفته‌ی شخص اکتفا شود، بلکه باید مرجعی باشد که صحت و اصالت مدارک را تایید نماید. کما این‌که در مورد دیگران و مشاغلی به شدت معمولی در خصوص مدارک ارائه

دادستان تهران و وزیر کشور از آن به عنوان شکایت علیه نماینده‌ی دانشگاه آکسفورد یاد می‌کنند، فراتر از این مطالب است و آقای کردان از نحوه‌ی اخذ مدرک، تیترا رساله و شیوه‌ی دفاع از پایان‌نامه دانشگاه آکسفورد یاد کردند، ظاهراً محمود احمدی‌نژاد این مطالب را حاشیه‌های انتخاب کردان می‌دانند و اراده‌یی در تغییر کردان حداقل تا این زمان دیده نمی‌شود و لابد مسائل مهم‌تری ذهن رییس‌جمهور را به خود مشغول نموده است که مساله‌ی کردان در حاشیه قرار دارد.

۲-۳- مجلس شورا

سومین نهاد، مجلس شورای اسلامی است. به گفته‌ی دو نفر از نمایندگان مجلس یکی محمدرضا باهنر نایب رییس دوم و دیگری علاءالدین بروجردی رییس

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اشاره می‌کنم. باهنر می‌گوید: ... برای وزارت نیازی به مدرک تحصیلی نیست.

ایشان در مورد اتهام کردان مبنی بر دروغ گفتن ایشان فتوایی صادر کرده‌اند که باید به خدا پناه برد. باهنر می‌گوید: ... مگر می‌توان در دنیا به غیر از معصومین کسی را پیدا کرد که دروغ نگفته باشد؟ ...

اما گفته‌ی علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملی و هم‌عقیده‌ی باهنر در حمایت از کردانی هم خواندنی است... وظیفه‌ی مجلس در مورد کردان انجام شده و از هم‌اکنون به بعد تصمیم‌گیری درباره‌ی او در اختیار دولت است... ظاهراً امیدی به نهادهایی که در بالا به آن اشاره کردم، نیست. می‌ماند آخرین نهاد یعنی مطبوعات که تجلی روح جامعه می‌باشند.

۲-۴- مطبوعات

آخرین نهاد یا رکن چهارم هم مطبوعات هستند که هدف اصلی این نوشتار پرداختن به این مهم است. روزهای اولی که موضوع جعلی بودن مدرک کردان مطرح شد و این پیگیری را سایت الف وابسته به احمد توکلی چهره‌ی شناخته شده‌ی که از بدو انقلاب مناصب مهمی داشته و تا کاندیدایی ریاست‌جمهوری هم پیش رفت و هم‌اکنون نیز علاوه بر نمایندگی مجلس و پایگاه مهم مرکز تحقیقات و پژوهش‌های مجلس عضو هیات علمی دانشگاه نیز می‌باشد. او که هم‌استانی کردان و رییس مجلس و پسرخاله‌ی او می‌باشد، با بسته شدن سایتش مواجه شد که بسته و باز شدن آن سایت نیز خود قصه‌ی بی‌ست که باید در مطلبی جداگانه به آن پرداخت. ■

از حافظ شیرازی تا ماهنامه‌ی حافظ: مجلس بزرگداشت پروفیسور سیدحسین امین

۲۴ مهر ۱۳۸۷؛ تهران - فرهنگسرای دانشجوی

